

فصلنامه علمی- پژوهشی رهپایان انقلاب اسلامی

سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۳
صفحه ۱۰۳ تا ۱۱۶

نسبت سنجی عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) و صدرالمتهلین

فاطمه میناخانی/دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی مشهد(نویسنده مسئول)

Ar.minakhani@gmail.com

جهانگیر مسعودی/دانشیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

Ja_masoodi@yahoo.com

چکیده

عدل یا عدالت (justice) از جمله معدود مفاهیمی است که از سپیده دم تاریخ، رسیدن و بهره‌مندی از آن، آرزوی کهن و خواست جاودانه انسان‌ها بوده و هست و همواره به‌عنوان آرمان باقی خواهد بود. این مقاله در پی تبیین دیدگاه صدرالمتهلین شیرازی مؤسس مکتب حکمت متعالیه و امام خمینی (ره)؛ به‌عنوان دو شخصیتی که در زمینه تمسک به آموزه‌های قرآنی، برهان، اخلاق، عرفان، کلام، فقه، تفسیر اتفاق نظر دارند؛ درباره مفهوم عدالت است مفهومی که رسیدن به آن از اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز می‌باشد، در این راستا نکات مشترک بین این دو به اجمال بیان گردیده و نظرات ویژه هریک را مورد توجه و تعمق گرفته و بازآفرینی شده است. در نهایت این فرضیه را اثبات می‌کند که این دو نظریه پرداز در برداشت‌های گوناگون از این مفهوم با توجه به مشی مشترک مذهبی و فلسفی خود، هم عقیده هستند و اختلاف عمده‌ای ندارند ولی ملاصدرا بیشتر به جنبه الهی و فلسفی و نیز فردی-اخلاقی عدالت پرداخته و بنیانگذار انقلاب اسلامی در عین توجه به جنبه کلامی، عرفانی این مفهوم، با توجه به عملی نمودن نظریه ولایت فقیه و بنانهادن نظام مقدس جمهوری اسلامی در وجهه عدالت سیاسی- اجتماعی گام‌های بزرگی در اندیشه و عمل برداشته است.

کلیدواژه: امام خمینی (ره)، صدرالمتهلین، عدالت، عدل، قسط،

برابری.

تاریخ تایید ۱۳۹۳/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۹/۱۷

مقدمه

یکی از نیازهای فطری و جاودانه انسان عدالت است که تقریباً مترادف با برابری، مساوات، قسط بکار برده می‌شود، این واژه قدمتی به اندازه عمر بشر دارد، از آغاز پیدایش انسان بر روی این کره خاکی همواره عشق به عدالت و تنفر از بی‌عدالتی و ظلم همزاد او بوده است و بنابراین نمی‌توان تاریخچه‌ای برای آن در نظر گرفت ولی از جنبه بحث‌های عمیق کلاسیک و تاثیرگذار می‌توان به عقاید فیلسوفان بزرگ یونان توجه داشت که خود مجال دیگری می‌طلبد. هرچند برپایی عدالت از مقاصد اصلی دین اسلام و سایر ادیان الهی است ولی این مفهوم محوری و کلیدی به بحث‌های علمای مسلمان اختصاص ندارد بلکه در همه ادیان و مذاهب و مکاتب الهی والحدادی و بشری و... به آن پرداخته شده است.

اندیشمندان مسلمان اعم از فلاسفه، فقها، متکلمین، علمای اخلاق، سیاسیون، حقوقدان‌ها نیز از آغاز ظهور اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی به‌طور جدی و عمیق به این مسئله پرداخته اند و پاسخ به این مسئله خود زمینه ایجاد فرقه‌ها و گروه‌های مختلف و منشا ایجاد بسیاری از تحولات اجتماعی در حوزه تمدن اسلامی گشته است. آیات و روایات فراوان در رابطه با مفهوم عدالت، علت ارسال پیامبران، از اصول دین ما بودن، عدلیه بودن ماسیعیان و... از جمله دلایل اهمیت و انگیزه پرداختن به این بحث است که در جای خود به آن پرداخته شده است. این بحث از اشکال خیرترین محیط‌های اعتراضی به خداوند است، به‌ویژه بحث تفاوت‌ها و تبعیض‌ها که برای نوع انسان‌ها در جای‌جای زندگی‌شان ملموس و محسوس است و گاه بیگانه موجب می‌شود زبان به اعتراض بکشایند. این تبعیض‌ها نسبت به مسائل معنوی و روحی قابل پاسخ‌گویی آسان‌تر است و راحت‌تر قابل اغماض است، اما به مسائل دنیوی و تجربی و ملموس که می‌رسد معمولاً صدای انسان‌ها را به اعتراض می‌گشاید.

از منظر دیگری می‌توان گفت: «این عبارت را فیلسوفان متعددی در دفاع از فلسفه بیان کرده‌اند: اگر باید فیلسوفی کرد، باید فیلسوفی کرد و اگر نباید فیلسوفی کرد باز هم باید فیلسوفی کرد، همچنان که عبارت بالا در حکمت نظری جاری است می‌توان گفت در حکمت عملی نیز این عبارت معنی و مفهومی عمیق و ساری و جاری دارد که: اگر باید حکومت کرد پس باید حکومت کرد و اگر نباید حکومت کرد پس باید حکومت کرد، اگر تشکیل حکومت لازم و ضروری است فیهو مطلوب و اگر لازم نیست نیز برای جلوگیری از تشکیل حکومت باید حکومت تشکیل داد» (مسعودی، یزدان بخش، ۱۳۹۳:

(۴۴) و به این عبارات باید اضافه کرد که اگر عدالت باشد حکومت معنا پیدا می کند و در غیر این صورت خیر.

در میان اندیشمندان مسلمان صدرالمতألهین شیرازی بنیان گذار حکمت متعالیه به عنوان آخرین مکتب عمده فلسفی و امام خمینی (ره) به عنوان بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی و فردی عالم و مجتهد در فقه، فلسفه، عرفان، اخلاق، کلام، و سیاست عملی جایگاه والایی دارند، به ویژه اینکه امام خمینی (ره) نه تنها از منظر تئوری به این واژه پرداخت بلکه در متن عمل نظام و حکومتی را تشکیل داد و در آن کوشید به این اهداف دست پیدا کند. لذا مقایسه نظرات این دو در این مبحث می تواند بسیار آموزنده و جالب باشد، بنابراین در رسیدن به هدف این مقاله یعنی تبیین و بازآفرینی و مقایسه دیدگاه دو شخصیت بارز درباره یکی از مهم ترین و بنیادی ترین مسائل کوشیده ایم از نگاه این دو فیلسوف به این پرسش ها پاسخ دهیم: معنا و مفهوم عدالت چیست؟ سطوح مختلف بحث از عدالت کدام است؟ کدام قسم از اقسام عدالت دارای اهمیت بیشتری است؟

ملاصدرا معتقد است از آنجایی که انسان فطراً اجتماعی است حیاتش فقط با همکاری و تعاون و در اجتماع بودن می تواند ادامه پیدا کند و شکی نیست که برای انسان ممکن نیست که به کمالاتی که برای آن خلق شده است برسد، مگر به اجتماع کثیر که هر یک، دیگری را در امری که به آن محتاج است معاونت نماید (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴: ۵۶۰).

همچنین برای جلوگیری از فاسد شدن و تباهی جامعه نیاز به قانون وجود دارد که همان شرع مقدس اسلام است؛ در مرحله بعد باید شارع و قانون گذاری باشد تا راه رسیدن به خدا را به مردم نشان داده و آنها را هدایت کند. صدرا از فطری بودن اجتماع به لزوم قانون و قانون گذار و سپس لزوم هدایت کننده می رسد و وجود حاکمی را بعنوان خلیفه خدا عقلاً واجب و بدیهی می داند و صدا البته صفت عدالت باید در قانون و قانون گذار و راهنما باشد در غیر این صورت نقض غرض می شود «انسان در وجود و بقایش ناگزیر از مشارکت است و مشارکت تمام نمی شود جز به معاملت و معامله را ناگزیر سنت و قانون عدل است.» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۷۷).

۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی عدالت

عدل و عدالت در عرف مردم و فرهنگ های فارسی به معنی دادگری کردن، انصاف داشتن، هماهنگی، تعادل، برابری، قسط، مساوات به کار برده شده است و لغت شناسان نیز کمابیش در همین معانی آن را بکار برده اند: «الاعْتِدَالُ - عدل: مص میانه روی، - الرِّبْعِيّ:»

برابری شب و روز در بهار. اَعْتَدَلَ - اعتدالاً: میانه‌رو شد، راست و استوار شد.» (بستانی، فوادفرم، ۱۳۷۵: ۹۳).

عنایت‌الله شریفی، ۱۳۹۰ آورده است: «عدل در لغت به معانی میانه‌روی، برابری، همسانی، همانندی، مساوات و ضد جور و حکم به حق به کاررفته است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱: ۴۳۶).

معنی دیگر عدالت «خُلِقَ متوسط بین افراط و تفریط است.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۴۱، ج ۱۸: ۲۱۶).

در قاموس القرآن ج ۴ ص ۳۰۱ آمده است: عدل: برابری و آنچه گفته‌اند از قبیل: مثل، فدیة، ضد جور، همه از مصادیق معنی اول‌اند. ایضاً عدل و عدول به معنی میل کردن و ظلم آمده است. در مفردات از رسول خدا (ص) نقل شده: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ. یعنی با موازنه و برابری اجزاء عالم، آسمان‌ها و زمین ایستاده‌اند.

حضرت علی علیه‌السلام در خطبه ۳۷ نهج‌البلاغه، عدالت را به معنای «اعطاء كل ذي حق حقه» حق را به حقدار دادن و در موارد دیگر به معنی انصاف، میانه‌روی، هر چیزی را در جای خودش قرار دادن، اجتناب از افراط و تفریط بیان فرموده‌اند.

امام خمینی (ره) عدالت را از منظر فقه عبارت می‌داند از: پرهیز از گناهان بزرگ و اصرار نکردن بر گناهان کوچک و رعایت تقوا و دوری از افعال پست. (امام خمینی، ۱۴۱۹). ایشان همچنین عدالت را به معنای استقامت و پیش رفتن در راه مستقیم می‌داند: «اگر از نقطه عبودیت تا مقام قرب ربوبیت تمثیل حسی کنیم بر خط مستقیم وصل شود. پس طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

و نیز به معنی صفتی نفسانی که او را به انجام واجبات و دوری از محرمات وادار می‌کند: الْعِدَالَةُ عِبَارَةٌ عَنْ مَلَكَهٖ رَاسِخَةٌ بَاعِثَةٌ عَلٰی مُلَازِمَةِ التَّقْوٰی، مِنْ تَرْكِ الْمُحْرَمَاتِ وَفِعْلِ الْوَاجِبَاتِ (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۱۲).

۳- اهمیت و جایگاه بحث عدالت

گستره کاربرد واژه عدل و قسط در قرآن کریم بسیار وسیع است، این کلمه ۲۹ بار در قرآن کریم به کاررفته است، خداوند سبحان در آیه ۹۰ سوره نحل همه انسان‌ها را به عدل و احسان دعوت کرده است. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَازْجَائِبِي که احسان مفهوم جامعی است که شامل همه خوبی‌ها می‌شود. می‌توان گفت عدالت بر همه خوبی‌ها تقدم

رتبی دارد.

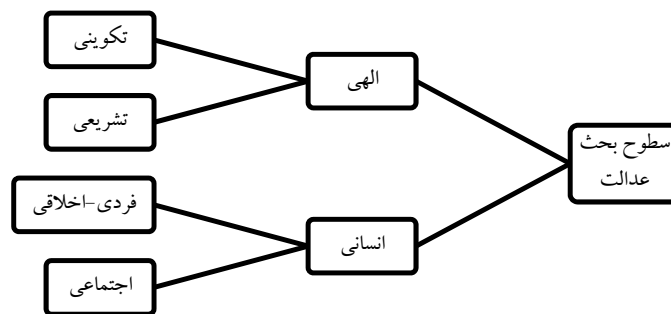
- از شدت توجه و اهتمام ماشعیان به این مبحث ماراعدلیه نیز می نامند، امیرالمؤمنین علی (ع) شاخص و معیار ارزیابی سیاست را عدالت می داند ملاک السیاسه العدل.
- «اسلام خدایش عادل است؛ پیامبرش هم عادل است و معصوم؛ امامش هم عادل و معصوم است؛ قاضی اش هم بهتر است که عادل باشد. فقیهش هم بهتر است که عادل باشد. شاهد طلاقش هم بهتر است که عادل باشد. امام جماعتش هم بهتر است که عادل باشد. امام جمعه اش هم باید عادل باشد؛ از ذات مقدس کبریایی گرفته تا آخر ... زمامدار هم باید عادل باشد. ولات هم باید عادل باشند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۰۴).
- مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) اهمیت فراوانی دارد که می توان دلایل عمده آن را مطابق کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به شرح ذیل بیان کرد:
۱. برقراری عدالت، هدف ارسال پیامبران: بنا بر آموزه های دین مبین اسلام تمام پیامبران برای اقامه عدل و قسط آمده اند؛ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ (حدید - ۲۵).
 ۲. عدالت، امری فطری و عقلانی: از دیدگاه امام خمینی (ره)، عدالت و قسط در وجود و ذات انسان ریشه دارد و او طبعاً موجودی است که به سوی عدالت و برقراری قسط در جامعه گام می نهد و از بی عدالتی و تبعیض روی گردان است.
 ۳. عدالت صفت الهی است و احکام اسلام نیز مبتنی بر آن: امام عدالت را برجسته ترین صفت پروردگار و شامل جمیع کمالات معرفی می کند. در کتاب مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه ص ۸۴ می فرمایند: اسم اعظم الهی با دو اسم حاکم و عادل تجلی می نماید.
 ۴. عدالت، ارزشی برتر و تغییرناپذیر و شاخص حکومت اسلامی: امام خمینی (ره) برقراری و تحقق عدالت در جامعه را در ردیف اصول و پایه های نظیر توحید قرار داده است از این رو در دیدگاه ایشان، عدالت موضوعی است که هیچ یک از ملاحظات نمی تواند آن را تحت الشعاع قرار دهد.
 ۵. اجرای عدالت، زمینه ساز توسعه معنوی و ایجاد محیط امن: امام خمینی (ره) مهم ترین پیامد تحقق عدالت را برقراری و ایجاد محیطی امن و آرام برای بروز استعدادها و توانایی ها و خلاقیت های افراد در تمامی حوزه های فکری و عملی می داند.
 ۶. اجرای عدالت، تکلیفی انسانی و دینی: بر اساس موارد مذکور، امام خمینی (ره)

تحقق عدالت و قسط را- چه در نفس و وجود فرد و چه در درون جامعه بشری- تکلیفی فطری و الهی و انسانی می‌داند که هر فرد نسبت به انجام آن مسئول است. مسئولیت انسانی ایجاب می‌کند که در برابر ظلم و بی‌عدالتی ساکت ننشینند و برای قیام به قسط برخیزند (فوزی، یحیی، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۲۹).

در نظر ملاصدرا نیز حکمت در کنار عدالت، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. او تفکر صحیح و علم نافع را در کنار اخلاق حسنه و تهذیب نفس و تعالی روح شرط ضروری می‌داند و معتقد است: با اکمال عقل، حُسن خُلق نیز رخ داده و عمل انسان تمام گشته و عدالت حاصل می‌گردد (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۰۱).

۴- سطوح مختلف بحث از عدالت

در رابطه با عدالت از چهار منظر کلی می‌توان بحث کرد: الهی-تکوینی، الهی-تشریحی، انسانی-فردی، انسانی-اجتماعی (رک. شکل ۱) که البته قسم انسانی-اجتماعی به اقسام دیگری تقسیم می‌شود مانند عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، عدالت قضایی و عدالت فرهنگی ...



شکل ۱- سطوح بحث عدالت

امام وصدرا با توجه به تفکر ناب اسلامی و شیعی برخلاف اشاعره، معتقدند خداوند ظلم نمی‌کند زیرا صدور ظلم قبیح است و امر قبیح محال است از خداوند سربریزند. بنابراین نظام هستی چون بر اساس عدل به وجود آمده نظام اتم و احسن می‌باشد و هیچ شائبه ظلمی در آفرینش و شرع الهی وجود ندارد. ذات باری تعالی عادل مطلق است و به عدالت نیز حکم می‌کند و انسان نیز به‌عنوان خلیفه‌الله در ذات و فطرت خود این ویژگی را دارد و باید در جامعه نیز به اجرای آن اقدام کند.

۴-۱- الهی-تکوینی

عدالت تکوینی یا (متافیزیکی)، (هستی شناختی)، (ontological) یعنی خداوند هر چیز را در جایگاه خود قرار داده و هر موجودی را که دارای استعداد و توانی خاص است، به کمال لایق آن می‌رساند و یا زمینه را برای رسیدن او به کمالات وجودی‌اش فراهم می‌سازد. و این همان معنای نظام احسن الهی است. همه ذات هستی در بهره‌مندی از افاضات خداوندی یکسان و برابرند و هیچ‌گونه ظلم و جور در ساحت ذات مقدس الهی راه ندارد.

از نظر امام خمینی (ره) عدالت عبارت است از حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاقیه است. بلکه عدالت مطلقه، تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است؛ زیرا که عدل مطلق، مستقیم به همین معنی است. ایشان برای تصویر اعتدال در مراتب هستی، به آیه شریفه: «إِنَّ رَبِّيَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» استناد کرده و می‌گوید:

ربّ انسان کامل - که حضرت خاتم رسل صلی‌الله‌علیه‌وآله است - بر صراط مستقیم و حدّ اعتدال تام است و مریوب او نیز بر صراط مستقیم و اعتدال تمام است. منتهی ربّ - تعالی شأنه - بر سبیل استقلال و مریوب صلی‌الله‌علیه‌وآله بر سبیل استظلال. پس عدالت در خدا و انسان هر دو به یک معناست؛ بر صراط مستقیم و اعتدال بودن و این معنای هم عدالت تکوینی و هم عدالت اخلاقی است.

ملاصدرا در شرح کلام ابن سینا «رسیدن به عوالمی که مورد عنایت الهی و منتهای آمال همه نفوس مستبصره و سعادت غائی آن‌هاست ممکن نمی‌شود مگر با اصلاح بخش عملی نفس و انجام اعمال صالحه» می‌گوید: «مراد فیلسوفان [ابن سینا در اینجا] از عنایت الهی عبارت است از نظام احسن و اتم که در آن هیچ اثری از خلاف حسن و تمام یافت نمی‌شود که همانا عدلی است که آسمان‌ها و زمین بدان قائم است.» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۰۹).

۴-۲- الهی-تشریحی

امام معتقد است: عدالت در بُعد تشریح یعنی قانون‌گذاری برای بشر و ارسال رسل عادل مطلق است. از دید امام، عدالت به‌مثابه سنت و قانونی عام و فراگیر در سرتاسر جهان جریان دارد و لذا آن را تبدیل به نظام اتم و احسن نموده است (امام خمینی، ۱۳۸۱). در نظام تشریح، قوانین عادلانه برای ساخته شدن انسان وضع شده است. به همین دلیل

امام خمینی (ره) تعلق حکمت الهی به زندگانی عادلانه برای بشر را سنت لایتغیر الهی می‌داند: حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به طریقه عادلانه زندگی کنند و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت، همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و تغییرناپذیر است (امام خمینی، ۱۳۸۹).

از نظر ملاصدرا قانون جامع و کامل که انسان‌ها را به بالاترین مقاصد انسانی رهنمون می‌کند، قانون شریعت اسلام است. «و آن قانون، شرع است. پس قرآن در بردارنده شرح قوانین شریعت و ضوابط است که در آیات مربوط به نکاح، دیون، موارث، تقسیم زکات و غنائم و ابواب ... تبیین شده است.» (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳: ۵۷).

۴-۳- انسانی - فردی

عدالت انسانی یا عدالت فردی یا عدالت اخلاقی یعنی انسان در قوای خود تعدیل ایجاد کند و کمال لایق و شایسته هر قوایی را فراهم کند اگر قوه عقل قوه برتر است و قوه غضبیه و شهویه قوای فروتر، پس انسان باید عدالت بورزد و بین آن‌ها موازنه مناسب ایجاد کند و هر یک را در جای مناسب آن قرار دهد. ایجاد تعادل در قوای درونی نفس باعث پیدایش ملکه عدالت برای نفس می‌شود. در این معنا عدالت در برابر افراط و تفریط قرار می‌گیرد.

هر صفت نیکی به عنوان فضیلت، در حدّ وسط دو رذیلت - حد افراط و حد تفریط آن - قرار دارد، امام خمینی (ره) نیز معتقد است عدالت عبارت است از حدّ وسط بین افراط و تفریط و غلّو و تقصیر: «بدان که عدالت عبارت است از حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضائل اخلاقیه است.» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۴۷) به تعبیر امام خمینی (ره)، هر کدام از این قوا منشأ نوعی رفتارهای انسانی‌اند و به تناسب رشد جسمانی او توسعه می‌یابند تا به کمال برسند.

امام خمینی (ره) در ص ۹۹ کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، «عدل» را از لشکریان عقل و «جور» را از لشکریان جهل می‌داند و چنین می‌گوید که عدالت و گرایش به آن امری فطری است که در نهاد بشر ریشه دارد؛ بدین معنا که انسان طبعاً به عدل و قسط گرایش دارد و از جور و ستم بیزار است. به علاوه از دیدگاه امام خمینی (ره)، عدالت از مقوله‌های کمال طلبی است و انسان نیز ذاتاً موجودی کمال طلب بوده و به همین رو ذاتاً خواهان عدالت است. شاید مهم‌ترین مفهوم عدالت از دید امام، با توجه به نظریه اعتدال در اسلام، حد وسط، طریقه و روش بودن آن است.

ملاصدرا مانند امام، عدالت را اعتدال در صفات و هیئت ترکیبی فضایل سه گانه می داند که در «صراط مستقیم» تبلور می یابد و از درون جهنم افراط و تفریط می گذرد. (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۴: ۱۱۷) حرکت بر مسیر اعتدال را تنها راه رهایی از جهنم افراط و تفریط و کاری دشوار می شمرد؛ زیرا هر لحظه احتمال انحراف بر اثر برندگی شمشیر عدالت وجود دارد (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۹: ۲۸۵).

از نظر ملاصدرا، با تحقق ملکه عدالت در نفس، انسان به امور چهارگانه بقاء، سرور، علم و غنا نائل خواهد شد. (صدرالمآلهین، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۷۷) و به واسطه عدالت انسان به هدف آفرینش خود و گوهر مقصود می رسد.

۴-۴- انسانی - اجتماعی

عدالت اجتماعی در اسلام دارای ارزشی بزرگ و اساسی است و لذا به آن بهاداده شده و آن را واجب گردانیده است *إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...* (نحل/۹۰). یا داود اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ. اکثر متفکرین مسلمان تعریف عمومی عدالت را «اعطای کلّ ذی حقّ حقّه» و یا «وضع الشی فی موضعه» می دانند و این تعریف عمومی شاخص و معیار خوبی است برای دستیابی به تعریف عدالت اجتماعی از نظر آنان.

عدالت اجتماعی از دیدگاه امام (ره) دارای اهمیت فراوانی است و بدیهی است که وقتی ایشان بر اساس نظریه ولایت فقیه تشکیل حکومت می دهند باید نسبت به این قسم از عدالت توجه بیشتری داشته باشند. امام بارها بر لزوم برابری همه در مقابل قانون، وضع قوانین اجرایی عادلانه، تأمین حقوق اقشار مختلف مردم و... تأکید دارند و می توان گفت: بیشترین کارکرد عدالت اجتماعی مورد نظر امام، در حوزه اقتصاد و معیشت جامعه بود.

نگاهی به کثرت کاربرد واژه عدل و مشتقات آن در آثار حضرت امام خمینی (ره) نشان دهنده اهمیت بعد اجتماعی عدالت در نزد ایشان است. به عنوان نمونه در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام، ۴۷۱ مورد واژه عدالت اجتماعی، ۳۸۲ مورد واژه عدل، ۱۷۳ مورد واژه عادل و ۱۵ مورد واژه قسط آمده است. عدالت اسلامی را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم... ما یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد، اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه در سواء در مقابل قانون باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۴۲۴ - ۴۲۵).

هسته مرکزی تفکر امام خمینی (ره) پیرامون تعریف مسئله عدالت را در مفهوم «برابری» و «تأمین نیازهای اساسی» تشکیل می دهد. ایشان بر اساس تفکرات اصیل اسلامی اولاً به

برابری انسان‌ها قائل بوده و ثانیاً تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات مختلف جامعه را جزء حقوق انسانی و لازمه رشد و تعالی معنوی‌شان قلمداد می‌نمایند؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که ایشان عدالت را به معنای «برابری فرصت‌ها جهت تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات مختلف جامعه» مدنظر قرار داده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۸۹).

از نظر ملاصدرا «انسان در ذات و سرشتش موجودی اجتماعی است، یعنی حیاتش منتظم نمی‌گردد مگر به تمدن و تعاون و اجتماع، زیرا که نوع انسان منحصر در فرد نیست و وجودش به انفراد و جدای از اجتماع ممکن نیست، پس ایجاد گروه‌های متفرقه و احزاب مختلف و تشکیل شهرها و کشورها در گذران زندگانی‌اش لازم و ضروری است و لذا در معاملات و ازدواج و جنایات به قانونی نیازمند هستند که عموم مردم به آن رجوع نمایند و بر طبق آن قانون به عدالت حکم نمایند، و در غیر این صورت اجتماع فاسد و نظام مختل می‌گردد، زیرا که هر شخصی به جلب آنچه رغبت و احتیاج به آن دارد توجه دارد و بر کسی که در آن چیز مزاحم او گردد خشم و غضب می‌کند و آن قانون شرع است.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴ ش: ۴۸۹-۴۸۸) و (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷ ق، ۳۶۰) وی معتقد است بعد از شناخت خدا و عمل در راه او و وصول به کمال و محو در حق تعالی، انسان می‌تواند در ساحت حیات اجتماعی و سیاسی وارد شود و به اصلاح امور بپردازد.

۵- عدالت شرط ضروری حاکم

امام خمینی (ره) در تبیین علت این ضرورت به سه دلیل اشاره می‌نماید:

«اول اینکه زمامدار باید از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار بوده و دامنش آلوده به معاصی نباشد. زمامدار اگر عادل نباشد، در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات‌ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد. دلیل دوم، هدف حکومت اسلامی، یعنی بسط عدالت می‌باشد که لازمه آن نیز عادل بودن حاکم است. سوم اینکه عقلاً تحقق قانون، تنها به دست حاکمی عادل میسر است.» (فوزی، یحیی، ۱۳۶۹: ۸۸).

بنابراین از نظر امام خمینی (ره) ولایت و سرپرستی امت و مشروعیت الهی به «عالم عادل» تعلق گرفته است و ولایت فقیه در واقع ولایت فقاهاست و عدالت و تدبیر است، یعنی شخصیت حقوقی فقیه است که بر مردم حکومت می‌کند نه شخصیت حقیقی او و به تعبیر دیگر حکم خداست که بر مردم حکومت می‌کند نه شخص فقیه؛ و به همین دلیل است که در روایات اهل بیت (ع) ردّ حکم فقیه برابرد حکم خدا و موجب شرک به خدا دانسته شده است. «... فإذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فإنما استخف بحکم الله وعلیه رد، والراد علینا

الراد علی الله، وهو علی حد الشرک بالله» (حر عاملی، (بی تا)، ج ۱۸: ۹۹).

از نظر صدرا در نبود حاکم معصوم، نیز نمی توان بدون حاکم بود بلکه با شرایطی باید غیر معصوم را برگزید که از این شرایط است که حاکم: «عادل باشد. فاسق یعنی آشکارا گنه کار نباشد.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱: ۳۵۲) در نظروی خالی شدن زمان از قانون عدل و رهبری عادل و چیره بر مردم که به تأیید الهی همه در برابرش فروتنی کنند، سبب می شود هر کسی به فکر سود خود بوده و هر که قوی تر باشد، غالب شده و بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران، آن را پایمال کند.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱: ۱۸۴).

صدرا در کتاب المبدأ و المعاد، ص: ۴۹۲ تا ۴۹۴: و کتاب الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه (مقدمه عربی)، ج ۱: ۳۵۷ تا ۳۵۸ الإشراف العاشر و همچنین در مرآت الاکوان، ص ۵۳، برای رئیس مدینه فاضله کمالاتی مانند بالذات دوستدار عدالت و اهل آن بودن و پذیرش دعوت به اقامه عدل و انصاف را ذکر می کند

خط سیر کلی اندیشه امام خمینی (ره) و ملاصدرا درباره امامت تعارضی باهم ندارند، با این تفاوت که جنبه های کلامی، عرفانی و فقهی در اندیشه امام خمینی (ره) پررنگ تر است که این به شرایط زمانه او برمی گردد. امام خمینی (ره) در زمانه خود با گرایش های گوناگون دنیای جدید، خصوصاً اندیشه های غربی مواجه بود، بنابراین زمینه اندیشه سیاسی امام و اندیشه امامت در دیدگاه ایشان به مبانی اسلامی و سپس مقتضیات زمان ارتباط دارد. علاوه بر آن امام خمینی کسی بود که با طرح نظریه ولایت فقیه در عصر حاضر توانست نظام جمهوری اسلامی را تأسیس نماید و اندیشه سیاسی خود را، حداقل در برخی جنبه های آن مورد آزمون و حتی بسط قرار دهد که یکی از آنها نوع نگرش به امامت و ولایت و تداوم آن که ولایت فقیه بود، است. عمده مباحث امام خمینی (ره) درباره ولایت و امامت در اکثر کتب و آثار ایشان و نیز سخنرانی های عمومی دوران رهبری و قبل از آن وجود دارد. از کتب ایشان می توان به مصباح الهدایه، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم، شرح دعای سحر، ولایت فقیه، شرح حدیث جنود عقل و جهل و غیره اشاره کرد. امام در این آثار به بحث امامت و نیز ولایت و انسان کامل و متفرعات آنها را طرح کرده اند.

ملاصدرا می گوید: «... کشوری که پادشاه ندارد، اگر همگان رضایت به عهده دار شدن منصب قضا به شخص عادل از خودشان دهند، بطوریکه آنان مددکار او باشند بر هر کسی که از احکام او سرباز زند، هرآینه قضا و حکم او روان است، اگر چه از جانب امام و یا پادشاهی ولایت و حکم ندارد.» (صدرالمألهین، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۱۸).

۶- نسبت عدالت و برابری

مقوله عدالت در بسیاری از موارد با برابری یکسان تلقی می‌شود، در حالی که این دو با یکدیگر تفاوت دارند. معنای عدالت این نیست که مردم همه در یک درجه و مقام قرار گیرند، زیرا این امر امکان‌پذیر نیست و جامعه دارای درجات و مراتب گوناگونی است. عدالت همان‌گونه که بیان شد عبارت است از قرارداد هر چیز در جایگاه شایسته خودش. برابری اگر به معنای تساوی در استفاده از امکانات و تساوی در برابرقانون باشد امری مورد قبول است و در نوع خودش مصداقی از عدالت است، از لحاظ منطقی می‌توان گفت بین آن‌ها رابطه عموم و خصوص مین وجه برقرار است.

در نگاه صدرا نیز عدالت به معنای برابری نیست، وی در رابطه با نسبت عدالت و برابری دو گونه سخن گفته است: به این معنی که او با یک معیار و از یک جهت قائل به برابری و با معیار و از جهتی دیگر قائل به نابرابری انسان‌هاست. برابری اصلی است حقوقی و سیاسی که به موجب آن در همه امور اجتماعی با همه باید یکسان رفتار شود، مگر در آنجا که برای رفتار استثنایی در مورد برخی افراد و گروه‌ها دلایل کافی و خاص وجود داشته باشد.

این اصل بر پایه این فرض است که همه مردم باهم در اصل از نظر «حقوق طبیعی» برابرند؛ و ناهمسانی‌های جسمی و ذهنی میان مردمان را معلول «محیط اجتماعی» و «نابرابری فرصت‌ها» می‌داند. در حالی که مخالفان برابری بر آنند که ناهمسانی‌های افراد تا حدود زیادی فطری هستند و نظم اجتماعی و مراتب آن بر اساس این ناهمسانی‌ها پدید می‌آید. ملاصدرا همگان را در برابر قوانین شریعت یکسان می‌داند. او برابری انسان‌ها را چنین توجیه می‌کند که هر یک از افراد والامقام و فرومایه، خلیفه‌ای از خلفای الهی در زمین‌اند؛ افراد برتر، در آئینه اخلاق ربانی خود مظاهر جمال و زیبایی صفات و فرومایگان زیبایی صنایع و تمامی بدایع الهی را در آئینه پیشه و صنعت خود آشکار می‌نمایند و خلافت آنان این است که حق، آنان را در به وجود آوردن بسیاری از اشیاء مانند نانوائی و خیاطی و بنایی و امثال این‌ها خلیفه فرموده، زیرا حق تعالی تنها گندم را خلق می‌فرماید و انسان به وسیله خلافت خود آن را آسیاب و خمیر و نان می‌کند... (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۲۰۹).

«اگر موجودات در استعداد مساوی بودند هر آینه حسن در ترتیب نظام از بین می‌رفت و مصلحت از عالم رخت می‌بست؛ زیرا در این صورت همگی موجودات در یک طبقه و در یک حالت باقی می‌ماندند و امورشان اداره نمی‌شد. علاوه بر این اگر همه دارای یک مرتبه بودند، موجودات دارای مرتبه پائین تر در کتم عدم باقی می‌ماندند در حالی که امکان وجود

داشتند و این نبود مگر ظلم و جور نه عدل و قسط... پس عدل عبارت است از بهره‌مندی هر یک از مواد و اشباح بر حسب صورت‌ها و ارواحشان و ایجاد تعادل در مزاج‌های هر یک بر حسب انواع گوناگونشان و همچنین توزیع امکانات مناسب هر فرد بر حسب اموری که مناسب [هر مرتبه از وجود] آن‌هاست. (صدرالمتهلین، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۶۷).

امام خمینی (ره) نیز به مناسبت‌های گوناگون در پیام‌ها و سخنرانی‌هایشان به این امر تاکید می‌کردند که تساوی و برابری الزاماً و در همه جا به معنی عدالت نیست و در مواردی این امر خلاف تعالیم و تصریح اسلام است: «لازم است تذکر دهم که دستگاه جبار نسبت به احکام مقدسه اسلام سوءنیت دارد. رجوع به اعمال ناشایسته و نطق‌های آن‌ها در هر فرصت این حقیقت اسفناک را واضح می‌کند. کراراً در بیانات خود گفته‌اند و اعلام نموده‌اند، تساوی حقوق زن و مرد را که در اثر آن چندین حکم ضروری محو خواهد شد. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود قید رجولیت و اسلام را از شرایط قضات الغا نمود.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۲۳).

۷- نتیجه‌گیری

در این مقاله اثبات شد که از نظر ملاصدرا و امام خمینی (ره):

۱- عدالت دارای سطوح و ابعاد گوناگون الهی، انسانی، فردی، اجتماعی و... است که زنجیروار با یکدیگر در ارتباط هستند و نمی‌توان به قسمتی از آن‌ها بدون در نظر گرفتن اقسام دیگر اعتقاد داشت.

۲- از ویژگی‌های ضروری قانون و قانون‌گذار و مجری قانون دارا بودن شرط عدالت است.

۳- عدالت با تساوی به یک معنی نیستند و بسا برابری‌هایی که با عدالت تضاد دارند. و در عین مشترکات فوق:

۱- ملاصدرا به عدالت بیشتر از جنبه الهی و فلسفی نگاه می‌کند و امام خمینی (ره) به جنبه کلامی، عرفانی این مفهوم توجه بیشتری دارد.

۲- ملاصدرا بیشتر به عدالت فردی - اخلاقی پرداخته است و امام خمینی (ره) به عدالت سیاسی - اجتماعی.

۲- ملاصدرا در بُعد اندیشه و نظر عدالت پرداخته است و امام خمینی (ره) علاوه بر نظر، در بُعد حکومتی و عملی نیز تلاش نموده است تا عدالت را پیاده نماید.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم

- نهج البلاغه امام علی (ع)، (۱۳۸۷ ش)، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم، شهاب‌الدین.
- ابن ابی الحدید، ابو حامد، (۱۳۴۱ ه.ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب؛ بیروت، دارصادر.
- امام خمینی، (۱۳۶۷)، شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- امام خمینی، (۱۳۶۸)، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ترجمه سید احمد فهری، تهران، بهرام.
- امام خمینی، (۱۳۶۹)، شئون و اختیارات ولی فقیه، چاپ دوم، محث ولایت فقیه از کتاب البیع، ترجمه اداره کل مراکز و روابط فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امام خمینی، (۱۳۷۸ ش)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، (۱۳۸۱)، تقریرات شرح اسفار، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، (۱۳۸۳)، ترجمه تحریر الوسیله، مترجم اسلامی علی، قاضی‌زاده محمد، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، (۱۳۸۶)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، (۱۳۸۹ ش)، ولایت فقیه حکومت اسلامی، چاپ بیست و دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، (۱۴۱۹) تحریر الوسیله، (بی‌تا)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امام خمینی، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، (بی‌تا)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران؛ اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تصحیح ربانی شیرازی عبدالرحیم، رازی محمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی اردکانی، احمد بن محمد، (۱۳۷۵ ش)، مرآت الاکوان تحریر شرح هدایه ملاصدرا، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- شریفی عنایت‌الله، (۱۳۹۰)، «عدالت اجتماعی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال پنجم، ش ۱۶.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱ م)، الحکمه المتعاليه فی الاسفار الاربعه العقلیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت

- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، اسرارالایات و انوارالبینات، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۷۹)، تفسیرالقرآن الکریم، چاپ محمد خواجه‌ای، قم.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶ ش)، شرح اصول کافی، ج ۱، مصحح خواجه‌ای محمد، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۰ ش)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۴۱۷ ق)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه (مقدمه عربی)، چاپ اول، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۵۴ ش)، المبدأوالمعاد، تعلیق سید جلال‌الدین آشتیانی، چاپ اول، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش)، مفاتیح الغیب، تصحیح محمد خواجه‌ای، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فوزی تویسرکانی، یحیی، (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، چاپ هفدهم، قم، دفتر نشر معارف.
- قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مسعودی، جهانگیر، یزدان بخش، علی اصغر، (۱۳۹۳)، «حاکم مدینه فاضله صدرالمآلهین در قیاس با ولی فقیه امام خمینی (ره)»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال هشتم، ش ۲۷.